

## حمایت از تولید ملی با فضای مساعد بازار کار

جواد رضائی، پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

### تفاهم - باشگاه خبرنگاران جوان

اساسا در الگوهای متداول تولید دو متغیر نیروی کار و سرمایه نقش کلیدی ایفا می نماید. از اینرو هر گونه نوسان در تولید منوط به چگونگی استفاده از این منابع و ترکیب این دو نهاده می باشد. سال ۱۳۹۱ با عنوان سال حمایت از تولید ملی که از ترکیب کار و سرمایه ایرانی نشات می گیرد نام گذاری شده است. بدیهی است به منظور تحقق این امر ایجاد شرایط ظهور و بروز کار و سرمایه ایرانی امری مهم و اجتناب ناپذیر است. ایجاد محیط مناسب اقتصاد کلان از یک سو و بهبود عملکرد بازار کار از سوی دیگر از نکات مهمی است که باید در این خصوص مد نظر قرار گیرد.

عملکرد مطلوب بازار کار در کنار وضعیت مناسب سایر عوامل موثر در شکل گیری محیط اقتصاد کلان، نظیر ریسک، ثبات و امنیت اقتصادی و قوانین و مقررات اقتصادی، تجاری و ... تحقق می یابد. بی شک اطمینان و اعتماد نسبت به آینده فعالیت های مولد اقتصادی، قبل از هر چیزی، مهمترین عامل در تصمیم گیری عاملان اقتصادی برای سوق دادن منابع به سمت فعالیت های تولیدی است. در فضای باثبات و به دور از عدم اطمینان است که تصمیم برای سرمایه گذاری و مصرف در بلندمدت معنی پیدا می کند و اقتصاد رونق می گیرد. در غیر این صورت فعالیت های اقتصادی از تولید فاصله گرفته و به سمت فعالیت های غیرمولد، روی گردان خواهند شد و متعاقب آن اقتصاد ملی ضربه خواهد دید. از این روست که علاوه بر متغیرهای اقتصادی تاثیرگذار بر ثبات و امنیت اقتصادی یک کشور، چگونگی هدایت منابع و تصمیم گیری اقتصادی که از سیاست ها اثر می پذیرد، مهم تلقی می شود. در واقع سیاست های اقتصادی، بر رشد و رونق اقتصادی اثرگذار بوده و می تواند منشاء اثرات معنی داری شود. بطور کلی سیاست های اقتصادی، تعیین کننده امنیت اقتصادی و سطح اطمینان در محیط اقتصاد خواهد بود.

در این میان درجه ریسک اقتصادی کشور که از سوی موسسات متعددی محاسبه و اعلام می شود، حکایت از افزایش ریسک کشور دارد. تغییرات حساب سرمایه می تواند به عنوان یک شاخص برای سنجش درجه نااطمینانی حاصل از حوادث سیاسی بر رفتار اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد. خالص حساب سرمایه در پایان سال ۱۳۸۹ طبق برآوردهای بانک مرکزی ۵۰۷- میلیون دلار بوده است. این

امر در حالی است که خالص حساب سرمایه از ۱۸۵- میلیون دلار در سال ۱۳۸۵ به ۵۰۷- میلیون دلار در سال ۱۳۸۹ رسیده است اثر این امر را می توان به افزایش هزینه فعالیت های اقتصادی تعبیر کرد. به طور مثال افزایش درجه ریسک، افزایش هزینه بیمه برای تامین مواد اولیه در خارج را در پی خواهد داشت و منجر به افزایش هزینه های تولید می شود . این وضعیت لزوم توجه جدی سیاستگذاران برای اطمینان آفرینی، اعتمادزایی و ... در حوزه اقتصاد را می طلبد تا زمینه رشد و شکوفایی هر چه بیشتر در اقتصاد کشور فراهم شود.

سیاست حقوق و دستمزد از موارد دیگری است که مستقیم بر بازار کار و سطوح تعادلی خود (قیمت نیروی کار) و اشتغال اثر می گذارد. به طور مثال سیاست کف(حداقل)دستمزد می تواند، منجر به افزایش هزینه بنگاه ها، کاهش سودآوری و در نتیجه کاهش تقاضای نیروی کار وموجب بیکاری شود .موارد یاد شده مثال هایی هستند که نشان می دهند، چگونه سیاست ها و شرایط اقتصاد کلان می توانند با تحت تاثیر قرار دادن محیط کسب و کار و هزینه نیروی کار سبب بروز بحران هایی از قبیل بیکاری در اقتصاد ملی شوند. اگرچه این امور، عوامل عمومی می باشند ولی می توانند اثرات متفاوتی برای بخش ها یا بنگاه های مختلف داشته باشند به طور مثال سیاست حداقل دستمزد برای فعالیت ها و بنگاه های کاربر اثرات بیشتری داشته و فشار و تنگناهای شدیدتری را به آنها تحمیل می کند.